آذر ماه ۱۳۴۴ — دورهٔ ششم شماره نهم

ماهنامهٔ

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

بقیه مطالب این شماره :

در باره جبهه ملی سوم ایران — صفحه ۳
زندگی و مبارزهٔ یك انقلابی بزرگ — صفحات ٤ و ٥
مسائلی که جنبش دانشجوئی با آنها روبرو است — صفحه ٦
شعری از ژاله «با زندگیها بود مرگبار» — صفحه ٦
افکار عمومی جهان اعتراض میکند — صفحه ۸
رویداد ها و تفسیر ها — صفحه ۸
تقویم مردم — صفحه ۸

ششمین کنگره سندیکائی جهانی

قطعنامه ای در باره ایران تصویب کرد

دبیر کل فدراسیون لوئی سایان گفت : «فدراسیون سندیکائی جهانی وارد دوران جدید ، دوران احیای وحدت سندیکائی بین المللی میشود .»

ششمین کنگره سندیکائی جهانی در اکتبر گذشته در ورشو بر گزار شد . نمایندگان ۱٦۰ میلیون زحمتکش ۹۰ کشور از کلیه قاره ها ، و از آنجمله لوئی سایان دبیر کل فدراسیون ، در جلسهٔ افتتاحیه بعظمت بیستمین سال تأسیس فدراسیون سندیکائی جهانی نطقی ایراد کرد و از آنجمله گفت : «همانگونه که در تاریخ ۸ اکتبر سال ۱۹٤۵ نخستین کنگره سندیکائی جهانی در پاریس پایان یافت ، فدراسیون سندیکائی جهانی بوجود آمده بود ، اساسنامه ای داشت ، ارگانهای رهبریش انتخاب شده بودند ، برنامه عملی ضامن استقلال و تفکرات مصوب کنگره تعیین گشته بود. این حادثه اهمیت شایان توجهی را حائز بود ، دوران نوینی در تاریخ سندیکائی بین المللی شروع میشد . این گفتار هم در باره مراکز سندیکائی ملی قدیم و ملی سابق است و هم در باره سندیکالیستهائیکه طی سالهای بعد در کشور های مختلف تشکیل یافته اند .

لوئی سایان رشد تشکل طبقه کارگر را نشان داده گفت : « تاریخ تشکل فدراسیون تعداد زحمتکشان متشکل در اتحادیه ها با وجود مشکلات فراوانی در جنبش سندیکائی برخی از کشور ها و باش رغم تبلیغات دولتها و کار فرمایان سال بسال افزایش یافته در بیست سال اخیر از ٦۵ میلیون به ۲۰۵ میلیون رسیده است . وی افزود که وحدت سندیکائی بین المللی در هفتم روز ۸ اکتبر ۱۹٤۵ کامی قطعی بوجود پرداخت ، این گام برای زحمتکشان یك پیروزی بزرگ است . تنها یك مرکز سندیکائی ملی از شرکت در کنفرانس سندیکائی بین المللی لندن (سال ۱۹٤۵) و از شرکت در کنگره پاریس امتناع ورزید . رهبران فدراسیون کار آمریکا از عدم همکاری با افراد نهادهه بمخالفت علنی و سپس بمخاصمت بی سابقه با سندیکاهای وحدت پرداختند . بدین منظور آنها از هیچ وسیله ای از آن جمله از عمال مخصوص سرویس های دولتی و نظامی ایالات متحده آمریکا بویژه در آلمان و ژاپن بر کردان شدند .

کنگرهٔ پاریس فدراسیون را موفقه کرده بود که بمقابله وسیله تصمیمات صلح وترقی اجتماعی در سراسر جهان ، شعار وحدت سندیکائی آزاد و دموکراتیك در آلمان و ژاپن کمك کند . در آلمان اتحادیه های کارگری در حال تکوین و مشغول فعالیت بودند . در ژاپن نیز بعداً جنبش سندیکائی دامنهٔ وسیعی یافت و « بشکل مرکز سندیکائی واحد » موجود ، منجر شد . بتصمیم نخستین کنگرهٔ سندیکائی جهانی از نظر وانشگران غیر متعلد بنا بر این سیاست ارتجاعی و ظرفه در صفوف کارگران که در وانشگرن سازمان داده شد در وهلهٔ اول در آلمان و ژاپن بموقع اجرا در آمد . سانسلهاد بعضی از رهبران سندیکاهای آمریکا بدون احساس مسئولیت در این جریان شرکت جستند .

لوئی سایان با تذکر اینکه « کنگره اتحادیه های صنفی ، امریکا » ، س . آی . او و بر خلاف فدراسیون کار امریکا در تأسیس فدراسیون سندیکائی جهانی شرکت مؤثر داشت و گزارش [illegible] در سالنامه صلح و امنیت اروپا درنخستین کنگرهٔ جهانی ، « بیشتر هیلمن ، دنیب رئیس » س . آی . او ، و مشاور سیاسی و اجتماعی رزولت بود» جملهٔ زیر را از گزارش نامبرده بدانوان یاد آوری عل کرد . او گفته بود : « من میدانم که در منطقهٔ امریکائی کار فرمایان بزرگ امریکا در همهٔ ارگانهای عالی سیاست بطور مؤثر شرکت دارند . مسلم است که برای اجرای کامل و مؤثر برنامه بدنام شیوعان باین اشخاص اعتماد کرد .

ما باید بدانیم که این اشخاص هرگز نمیخواهند قدرت جنگی آلمان نابود شود و فاشیسم — آنهم نه تنها در آلمان ، بر حمله ای کند کردند . ما زحمتکشان جهان باید آشکارا و با استحکام هر چه قوی تر مبنی بر اینکه نیرو های مسئول اساسی جنگهای جهانی دیگر هرگز نباید سر بلند بکنند بیان داریم » .

جنبش سندیکائی جهانی باتفاق آراء گزارش هیلمن را تصویب کرد و با عضویت راه خود را برگزید .

بقیه در صفحه ۷

تکیه بر اختلافات و پراکندن نیرو ها یا اتحاد عمل بر پایه نقاط مشترك؟

در کشور های سرمایه داری پیشرفته طبقهٔ کارگر با تمام قوا میکوشد تا با اتحاد کلیه نیروهای زحمتکش راه را برای استقرار جامعه سوسیالیستی هموار سازد . مبارزات روزانه طبقه کارگر در این کشور ها مشروط نیرومندی به تسلط سرمایه داری امپریالیستی واره میسازد .

از ایدیو سه جریان بزرگ انقلابی جهان کنونی یعنی نیرو های سوسیالیسم ، جنبش آزادی بخش خلقها برای استقلال ملی و ترقی و مبارزه توده های زحمتکش کشورهای سرمایه داری در راه سوسیالیسم و سوسیالیسم بطور اجتناب ناپذیر بهم پیوسته و هر دم عرصه را بر امپریالیسم تنگتر میکند ، تمرکز میکند و راه را به سوی سوسیالیسم میگشاید . بهمین سبب است که در شرایط کنونی تضاد اجتماعی دوران ما عبارت از تضاد بین جهان سرمایه داری و سیستم سوسیالیستی است و نیز در اتیجه پیوستگی این سه جریان انقلابی است که تناسب نیروها در صحنه بین المللی بیش از پیش بسود سوسیالیسم و بضرر امپریالیسم تغییر میکند .

بعلت درجه اول و مقیمی که از دولت سوسیالیستی در مجموع این پیوسته انقلابی دوران معاصر ایفا میکند آشکار است و بنا بر این وحدت و یکپارچگی این نیرو و تمام جنبش کارگری بین المللی نخستین شرط موفقیت در مبارزه مشترك علیه امپریالیسم است .

بهمین جهت است که وجود اختلافات و ایجاد تفرقه و نفاق در جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی تنها بزیان طبقه کارگر همه کشور ها نیست بلکه بیشتر مجموع نهضت انقلابی دوران معاصر و از جمله بزیان جنبش رهائی بخش ملی کشور های ستمدیده و وابسته است .

بنا بر این حزب ما از دو لحاظ بمسئله تأمین وحدت در جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی

بقیه در صفحه ۲

خصلت ، هدف و دستاورد های جنبش

بیست سال پیش در روز ۲۱ آذر ۱۳۲٤ جنبش دموکراتیك آذربایجان تحت رهبری فرقه دموکرات آذربایجان و صدر آن قاضیوان میر جعفر پیشه وری در استان آذربایجان دست بقیام زد و نظامیه شاه را که از ایران بیرون برانند . این جنبش بود که در آن اکثریت مردم آذربایجان ، کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، بازرگانان و پیشه وران و سرمایه داران کوچك و متوسط شرکت جستند . این جنبش بود که توده ها را بر اساس حق تعیین سرنوشت خود بر انگیخت و راه را برای تحقق مبارزه برای آزادی و استقلال ملی و ترقی و دموکراسی در ایران هموار ساخت . این جنبش بود که در مبارزه برای تحقق حقوق خلق مردم آذربایجان در زمینه تأمین اساسی خود و برخورداری از زبان و فرهنگ ملی ، جنبش دموکراتیك آذربایجان و همزمان آن جنبش دموکراتیك کردستان موفقیت آمیزی برای تحقق این هدف بوجود آمد . جنبش در سراسر کشور پخش شد و در سرعت بهبود بخشیدن بوضع زحمتکشان شهر و دهات و مبارزه برای تحقق دموکراسی و حق تعیین سرنوشت ملی در دو دموکراتیك و جنبش کشوری استقرار انقلابی قرار گرفت . جنبش دموکراتیك آذربایجان در زمینه خود بزرگترین جنبش بود که ایران و سازمانهای دموکراتیك دیگر چشم و گوش

بیست سال از جنبش دمکراتیك آذربایجان می گذرد

کشد . جنبش دموکراتیك سال ۱۳۲٤ — ۱۳۲۵ در آذربایجان همواره مسائل ارزشی را برای خود مینمایاند که جنبش مشروطیت با جنبش جنگلی برای خود قائل بود ، یعنی تلاش در بخشیدن بمردم سراسر ایران و بویژه مبارزه در راه استقلال و دموکراسی علیه اجحاف و استعمار میپیوندند و نیروهای مترقی دوسراسر کشور در جنبش نوینی متشکل میشدند . آذربایجان یکی از مراکز فعالیت نیرو های مترقی بود . در آن شرایط و در جامعه عقب مانده سرمایه داری دولت مرکزی و روش خودمختاری که بر حق و سکیت مثبت بخواهشهای مردم آذربایجان ، در نتیجه فشار و اختناق و بیداد نابودن دولت و جزو بودن ملاکان و دهقانان ، مردم آذربایجان بمبارزه آمدند . آذربایجان موجودات برای اتحاد مبارزه ، جنبش مبارزه بیدار شد ، جنبش مبارزه بیدار شد ، جنبش مبارزه بیدار شد

قیمه‌لاته است . یکی از لحاظ ماهیت طبقاتی و پایهٔ عقیده‌ای که خود و دیگری از جهت مصالح مالیه جنبش انقلابی مردم ایران . این دو جهت هرچه‌زیادتر یکدیگر را بیشتر مطلبی دارند و جدائی آنها از هم تمامی این پروژهٔ منافع طبقهٔ کارگر ایران و حزب آن ، حزب توده ایران ، از مصالح و منافع مجموع جنبش رهائی بخش ملی جدا نیست و جنبش ملی رهائی بخش ایران جز از راه اتحاد با طبقهٔ کارگر و سایر زحمتکشان شهر و ده و جز از طریق اتحاد محکم همه نیروهای ملی و آزادیخواه امکان نیل بهدفهای مشروع خود و تحقق آن ندارد .

وحدت مارکسیست و همیشگی بین‌المللی کارگری یکی از ارکان اساسی آموزش مارکسیسم - لنینیسم است که حزب توده ایران، و سایر احزاب مارکسیست - لنینیستی پیرو آنند. بهمین جهت است که در مقدمهٔ برنامهٔ حزب توده ایران این نکته به فرمش تصریح شده است که : «حزب توده ایران، بتقلید جنبش کارگران کلیه جهان است و بتشویق منافع این جنبش تکیه میکند».

از آنهنگام که رفیق کارل ماوکس و فریدریش انگلس ، بنیان گذاران سوسیالیسم علمی ، «کارگران ، همه کشور ها متحد شوید» در جهان طنین افکنده اند بیش از یکصد و هفتاد سال میگذرد . در این مدت بیش از یکقرن جنبش کارگری بین‌المللی کوششهای فراوانی بمنظور تحقق این شعار بعمل آورده و از افراز و نشیب های گوناگونی گذشته است . ولی بی تردید میتوان گفت که هیچگاه اختلافاتی که این نهضت آسیب گذرانده بدرجهٔ امروزی در سرنوشت جنبش عمومی انقلابی تأثیر نداشته است . از اینرو مسئله تأمین وحدت نهضت کمونیستی و کارگری بین‌المللی نیز یکی از مسائل عمده، مبرم ما میدل گردیده است .

وقوع اختلافات در مورد تاکتیک و خط مشی سیاسی در جنبش کارگری امری طبیعی است و اینرو خود یکی از پدیده های نهضت، و توسعه نهضت است زیرا چنانکه لنین بیان میکند : «اگر، بجای آنکه این جنبش را در جایش باید آل موهومی مارکسیسم آنرا به مثابه نهضت واقعی دستهای عادی در نظر گیریم بطور وضوح آشکار میگردد که جنبش پس از یی پر میدارای، در و کشش اثر هی تازه ای از توده های زحمتکش تاکنون باید با تردید و ازاراهائی در زمینه تئوری و در مورد تکرار اشتباهات گذشته ، پرکشت موقت بسوی نظریات و اسلوبهای کهنه و غیره همراه باشد ... از سوی دیگر ، سرمایه داری در کشور های واحدی رشد نمیکند . در شرایط حد اکثر رشد صلحت است که مارکسیسم بدانسان ... سرچنین ، کلمات و پایدار ترین شکل خود بوسیله طبقه کارگر و ایدئولوگهای آن ملکه میشود . مثلیات اقتصادی بلند افتاده یا مایلهای که از رشد خویش عقب‌مانده‌اند، مناسبات هواداران از اهمیت کارگری بطور میرساند، حکمه قاعد و پاره ای از جوانب مارکسیسم ، برخی از قسمتهای جهان بینی جدید و یا بعضی شعارها وخواستها را جذب میکنند و توانائی آنرا ندارند که تماماً یا بعمه مختلف و در شاخه های متنوع انحصار یابد یا سرعت واحدی رشد نمیکند.

درباره جبهه ملی سوم ایران

در دو شماره پیش منظره‌ای از تحول جبهه ملی و کیفیت پیدایش جبهه ملی سوم بدست دادیم و از اینکه بالاخره پس از مدتها تشتت و تفرق، و بحرانهای داخلی لااقل اکثریت سازمانهای وابسته بجبهه ملی باین نتیجه رسیده‌اند که باید طبق نظر آقای دکتر مصدق «نیروهای جبهه ملی را بسوی همه کسانی که میخواهند برعلیه استبداد و استعمار مبارزه کنند بکشانند.» ابراز خوشنودی و امید کردیم. در اینجا میخواهیم بنکاتی چند که توجه بآنها برای نضج و تکامل جبهه ملی سوم ضرور است اشاره کنیم. همانطور که بارها گفته ایم علیرغم حملات ناروائی که ازطرف سازمانهای وابسته بجبهه ملی بحزب ما میشد و هنوز هم از طرف بعضی از آنها میشود طرفدار رشد و تکامل جبهه ملی که بعض قابل توجهی از نیروهای ملی را دور میگرد بوده و هستیم و اکنون نیز صادقانه آنچه را که برای توسعه و تحکیم این جبهه بنظر ما مفید میرسد اظهار میکنیم خوشبختانه نکاتی که در اینجا ذکر میشود کم و بیش مورد توجه قسمتی از سازمانهای وابسته بجبهه ملی نیز قرار دارد.

تنها طرز کار و فعالیت جبهه ملی سوم ملاک امتیاز آن از جبهه ملی دوم خواهد بود

بطوریکه معلوم است تشکیل جبهه ملی سوم نتیجه یک دوران طولانی مبارزه در درون نیروهای وابسته بجبهه ملی است. قرائن نشان میدهد که این مبارزه، گرچه بنفع طرفداران نظر آقای دکتر مصدق و جناح هواخواه تشکیل جبهه ملی سوم واقعی آن به پیش رفته و عنوان جبهه ملی سوم شود از این پیشرفت است اما هنوز حتی در اطراف لزوم تشکیل این جبهه مخالفت هائی ابراز میشود. نشریه «پیام دانشجو» منتشره در تهران از کادر سازمان دانشجویان وابسته بجبهه ملی در شماره مرداد شهریور ۱۳۴۰ خود ابه بعضی زمزمه های مخالفت که از گوشه و کنار در باره لزوم تشکیل جبهه ملی سوم بگوش میرسد» اشاره کرده و بدین نحو ابراز نگرانی میکند که «در کادر احباء جبهه ملی عملا اخلال میورزند.»

بنظر ما این یک جریان طبیعی است که دوام و تأثیر اعمال کرانه آن بسگی کامل بطرز کار و فعالیت جبهه ملی سوم دارد. تنها طرز کار واصولیت عمل درست است کسانیکه با حسن نیت را از موضوع تا درست بموضع درست میکشانند و عناصری را که بر اساس انگیزه های نامیام مخالفت میکنند منفرد و بدینترتیب زمینه را برای پیشرفت کار آماده مینمایند. این واقعیات است که عدم صحت روشهای سازمانی و سیاسی جبهه ملی دوم را در گذشته ثبوت رسانده و باز هم واقعیات باید صحت روشهای تازه جبهه ملی سوم را ثبوت رساند. «پیام دانشجو» در شماره یاد شده خود بدرستی مینویسد: «فقط اعلام تشکیل جبهه ملی سوم دردی را دوا نمیکند، بلکه مسئله اساسی و مهم چگونگی محتوی آن جبهه است.» جبهه ملی دوم که زهرهٔ آن از لحاظ سازمانی و سیاسی وفعالیت ملی دچار تناقضات و اختلافات بود بقول آقای دکتر مصدق «از غرض این چند سال نتوانست کوچکترین قدمی در راه آزادی و استقلال ایران بردارد ...» در حالیکه مردم طرفدار جبهه ملی انتظار دیگری از آن داشتند. اینک شکل سازمانی وبرنامه سیاسی روشنی در برابر جبهه ملی سوم قرار دارد که آنرا از جبهه ملی دوم ممتاز میکند ولی این شکل و این برنامه باید در عمل بکار رود اگر درعمل «جبهه ملی ایران محل اجتماع کلیه احزاب، جمعیت ها، اصناف و دستجاتی» شود، که هدفی جز آزادی و استقلال ایران ندارند، و اگر واقعاً «درهای جبهه ملی را بسوی کسانیکه میخواهند برعلیه استبداد و استعمار مبارزه کنند بکشانند» آنوقت است که جبهه ملی سوم دارای محتوی درست و متناسب با جنبش رهائی بخش ملی خواهد بود و اگر در جریان عمل باز هم به تنگ نظریها و اختلافات گذشته میدان داده شود و حق انحصاری خاصی برای احزاب و جمعیتها و شخصیتهای معینی ملحوظ گردد، جبهه ملی سوم نیز دچار رکود و سکون و بالاخره سرنوشت جبهه ملی دوم گرفتار خواهد شد. «پیام دانشجو» درشماره فوق‌الذکر خود در باره جبهه ملی دوم چنین مینویسد: «جبهه ملی دوم که در مسائل سازمانی، و چه سیاسی از روشها و تاکتیکهائی پیروی میکرد که برای نهضت نامناسب بود ومنطبق بامضرورتهای مبارزه ملی نبود، و ما حصل مسیری که رهبری جبهه ملی دوم اتخاذ کرد این شد که نهضت هنوز از مجرائی خارج نشده مواجه با جریان جدیدی گردید ... تمایل بخروج از این جریان است که ضرورت تشکیل جبهه ملی سوم را توضیح میدهد. در ضرورت تشکیل جبهه ملی سوم بطور ذاتی این هدف نهفته است که این جبهه از نظر محتوی، نظر به روشها و تاکتیکها چه در مسائل سازمانی و چه در مسائل سیاسی دنباله جبهه ملی دوم نباشد و بر جای پای رهبری گذشته قدم نگذارد و گرنه جابجا شدن افراد و شورای مرکزی و آمیختن سازمانی و رفتن سازمانی بدون تغییر محتوی جبهه ملی، مرزی بین جبهه ملی دوم و سوم بوجود نیاورد در حالیکه با توجه بعدم اتحادی که در توده های مردم نسبت به رهبری جبهه ملی سابق بوجود آمده است ضرورت مبرم دارد که افتراق جبهه ملی دوم و سوم مشخص شود و بطور ظنی برای همهٔ مردم توضیح داده شود که چرا ما جبهه ملی سوم هستیم و اولین قدم در ایجاد این مرز باید اشتباهات و خطاهائی گذشته صادقانه، بدون پرده پوشی و بدون کم و کاست و مبالغه و بدون بیم از جوش آمدنها و بد آمدنهای شخصی وبدون ملاحظه کاریهای نامتوالی و حسارت یک سازمان مبارز، با مردم در میان گذاشته شود و بدین طریق برای جلب اتحاد مردم کشانی بزرگ برداشته شود.» از منظرات نشریه «پیام دانشجو» معلوم میشود که سازمان دانشجویان وابسته بجبهه ملی باین نکته اساسی توجه دارند که تغییر نام، عضلت و ماهیت جبهه ملی دوم را تغییر نمیدهد و تنها قبول اصل سازمانی و برنامه سیاسی درست هم کافی نیست بلکه تغییر ماهیت وقتی مشهود و ثابت میشود که اصول مورد قبول در کار و فعالیت بکار بسته شود یعنی جبهه ملی سوم هنگامی اثر وجودی خود را نشان میدهد که برای جمع آوری تمام نیروهای ضد استعمار و استبداد دست بکوشش و فعالیت بزند و با وسعت نظر بجلب نیروهای ضد استعمار وضد استبداد اقدام نماید و یا بقول «پیام دانشجو» کوشش برای «وحدت و جامعیت همه نیرو های ضد استبداد و ضد استعمار در درون جبهه ملی در قالب توصیه دکتر مصدق» را از وظایف اساسی خود بداند و بدان عمل کند.

وحدت و صداقت در عمل

تردیدی نیست که جمع آوری نیروهای ملی بخصوص آن قسمت که در سازمانهای مختلفی با ایدئولوژیهای گوناگون متشکل شده اند در مرحله اول آنقدری مشکل بنظر میرسد، بخصوص که در نتیجه بازخورد ها و اختلافات گذشته جناحها و یا خورده حسابهائی پیدا شده باشد که هنوز از روی آنها و بر طرف کردن آنها بلکه نظری و جرات و جسارت لازم دارد. اگر باشد که اختلافات گذشته و یا حسابهای خاصی در جلب و متحد کردن نیروها دخالت داده شود و یا از بیم اتهامات ناروا دست بر سینه این یا آن سازمان و گروه زده شود نتیجه لازم برای پیروزی که همکاری تمام نیروها در جبهه واحدی است حاصل نخواهد شد. مسئله اصلی در شرکت دادن و جلب کردن این یا آن نیرو فقط باید آمادگی صادقانه آنها برای مبارزه علیه استبداد و استعمار باشد. ممکن است در درون جبهه ملی علیرغم وجود هدف مشترک، سازمانها و گروههای مختلف راه های متفاوتی برای پیشرفت مبارزه ارائه کنند و بعد بطریق دو موارد اختلاف نظرهای بروز کند. چنین امری نه تنها بحال پیشرفت جبهه مضر نخواهد بود بلکه در کادر مراعات اصول سازمانی جبهه و هدف مشترک مفید خواهد بود. با توجه باین نکته است که نشریه ایران آزاد ارگان سازمانهای جبهه ملی در اروپا (شماره ۳۷) در شرفمقاله «جبهه تحت فشار» «امیدهای نو» چنین مینویسد: «اتفاقاً وجود «تمایلات» و «گرایشها» که در یک سازمان و بطریق اولی در جبهه امری طبیعی و اجتناب ناپذیر مینماید در عین حال نشانه غنای آن سازمان بوده میتواند علت تحرک و کاتالیزاتور داخلی گشته سازمانی متحرک و زنده بوجود آورد. بر خورد افکار مختلف و نشان دادن راههای متنوع در ضرورتها بمنظور رسیدن بهدف مشترک طرح کرده و در مقابل مبارزه و مخالفتها با دشمن در سازمان ظهور کنند خود عنصر تکامل و ماده تغییر و تحول بوده حرکت سازمانی متشابه آن است.» چنین است بیان «ایران آزاد» مسئلهٔ سازمانها و احزاب متعدد مبارزه با استبداد و استعمار را نمیتوان بطور ذهنی قبول یا رد کرد بلکه باید آنها را در کورهٔ عمل سنجید. کسانی در مبارزه آزادی بخش نیامدند که در مراحل مختلف مبارزه از همکاری صادقانه دریغ نورزند و صمیمیت خود را درعمل نشان دهند. اصولاً وحدت نیروها و تحقق جبهه مشترکی از نیروهای ملی امری است که در جریان و طول مبارزه بوجود میآید، نضج میگیرد و محکم میشود در جریان مبارزات گذشته مکرر مواقع و مواردی پیش آمد که اکثریت نیروهای ملی در گیر و دار مبارزه بهم جوش خورده و پیوند یافتند ولی با کمال تأسف چون بیشتر رهبران این نیروها بلزوم جبهه واحدی که تا بل به پیروزی همه نیروهای ملی را در خود مجتمع سازد معتقد نبودند، این پیوند را بریدند و در نتیجه تفرق نیروها بمیهن و مردم ما آن رسیده که رسید. هدف ما در اینجا طرح مسائل گذشته نیست بلکه باد آوری آنها برای تجربه اندوزی است. هم اکنون در مقابل چشم ما نمونه عالی از همکاری نیروهای ضد استعمار و ضد استبداد در مورد دفاع از چهارده نفر از جوانان قرار دارد. در این مبارزه که برای نجات این چهارده نفر در مقابل حکومت مستبد و گوش بفرمان شاه در گرفت، تمام نیروهائی که امکان مبارزه داشتند شرکت کردند و حد اقل نتیجهٔ این مبارزه ولو اینکه بآزادی آنها منجر نشد و نیتوانست هم بشود این شد که شاه بالاجبار دادگاه فیرقانونی نظامی خود را که سابقاً دربسته و بی سر و صدا تشکیل میداد، به دادگاهی که افتضاح و رسوائی دستگاه قضائی ارتش را برملا کرد بدل ساخت وشاه «دموکرات» ایران را تا حد زیادی بسردم جهان بشناساند. نیروهای مختلف ضد استعمار و ضد استبداد در صورتیکه در موارد مشخص بدون تبعیض و صادقانه با هم کار کنند ومبارزه نمایند بتدریج بهمکاری با یکدیگر خو میگیرند و صداقت آنها در عمل معلوم میشود و آنوقت است که میتوان این همکاری را تا حد جبهه واجد رساند واساس پیروزی نهائی را بی‌دری کرد. هم اکنون عده‌ای از شخصیت های برجسته ملی و گروه کبیری از مبارزان ضد استعمار در زندانهای حکومت جبار محمد رضا شاه در قید و بند و آیت اله خمینی در عراق بحال تبعید بسر میبرند. آیا نتوان برای آزادی آنها و برای دفاع از حقوق آنها مبارزه مشترکی دست زد و مبارزه مشکلی بوجود آورد؟ مسلماً امکان پذیر است. بهر حال نیتوان و نباید منتظر نشست تا وحدت نیروهای ضد استعماری وضد استبدادی بوجودی خود بوجود آید باید دست بعمل زد و در جریان مبارزه بوحدت رسید. رکود و سکون و میدان دادن باختلافات ولو بامیدل آنها باشد کاری از پیش نمیبرد. حرکت، جنبش و کوشش در طریق مقصود راه را برای آینده باز میکند و نشان میدهد که چه کسانی واقعاً مبارزه با استعمار واستبداد را امری جدی تلقی میکنند وجاهزند در راه آن فداکاری و همکاری کنند. ما با وجود آنکه هدف این اتهامات ناروا «ضد ملی» بودن ما از زمان جبهه ملی هستیم بارها گفته و باز هم تکرار میکنیم که حاضریم ولو در مقابل بسیار کوچک هم باشد با جبهه ملی سوم

بقیه صفحه ۷

بمناسبت هشتاد و پنجمین سال تولد

حیدر خان عمو اغلی

کودکی و جوانی حیدر

حیدر خان عمو اغلی در تاریخ ۲۰ تابستان ۱۸۸۰ میلادی (۱۲۵۹ شمسی) در خانواده پزشکی موسوم به لیوزا علی اکبر افشار در ارومیه تولد یافت. همین مناسبت حیدر خان افشار نیز نامیده میشود.

حیدر و علی اکبر افشار مردی روشنفکر و مترقی بود. و در تحت مشروطیت ایران عرکت دزدیده بود. زادهٔ بزرگ حیدر خان حیات افشار در جریان انقلاب مشروطیت فعالیت بزرگ و ساوشی داشته است. اظهار فعالیت برای انقلاب پدر و پسر منوط تعقیب اذجاع زائی شدند و با تمام خانواده تابعان به مهاجرت و سلاخی دادن گردیدند. پس از مدتها سرگردانی در شهرهای مختلف قفقاز بالاخره در شهر الکساندروپل (لنینکان کنونی) اقامت اگزیدند.

پدر حیدر خان بکار طبابت خود مشغول بود و از این مقر امکان پیدا کرد که به تحصیل و تربیت فرزندان خود کمک شایانی بکند. حیدر خان ابتدا در شهر الکساندروپل سپس در تفلیس در رشتهٔ برق تحصیل نمود. در دورهٔ تفلیس با محیط انقلابی روسیه و مخصوصاً با افکار سوسیال دموکراسی و مطالعات با عاعتری چون مرکز «اوزاکیدزه» به کسب علوم اقتصادی و اجتماعی مبادرت نمود. و در حزب سوسیال دموکرات روسیه وارد گردید. حیدر خان در ایام تعطیلات بکشور مادری اذربایجان غربی برای کسب معلومات و فراگرفتن علوم و فنون مسافرت میکرد. او علاوه بر زبان مادری به فارسی و زبانهای محل تفاهم بزبانهای روسی، فرانسه، آلمانی و ایتالیائی آشنائی داشت.

حیدر خان پس از خاتمه تحصیلات در مدارس تفلیس باکو در قسمت برق مشغول کار شد. و از آغاز فعالیت انقلابی مجبور شد که باکو را ترک کرده و بادوپا برود. پس از بازگشت بتابعیت استفاده یکی از بادوکاران ایرانی موسوم به رضاخان پهلوی درآمد. این تاجر دیر را برای ایجاد کارخانه برق در صحن حرم امام رضا بمشهد اجازه داشت. حیدر خان کارخانه برق را در مدت کوتاهی در مشهد دایر نمود.

ولی در نتیجه تشریک مساعی (یک چراغ برق را مانع خواهرش خود میدانست) عین الدوله از خواهر و مردم عامی بنوان کشف کوچک چراغ برق دستور بکارخانه خود دکتر دیا یا مخالف است کارخانه برق را خراب نمود.

بمناسبت هشتاد و پنجمین سال تولد حیدر خان عمو اغلی

حیدر خان در آغاز سال ۱۲۸۲ شمسی به تهران مراجعت نمود و بعد بامر دربار یک استراحتی و آماده راه انداختن شورای کارگری و سپس بعنوان متصدی و سر مکانیک کارخانه چراغ برق تهران مشغول کار شد. حیدر خان بعلت کار در کارخانه برق ساختمان امین الضرب معروف به حیدر خان برقی شد. پس از چندی نظارت در ساختمان خیابانهای تهران و راههای موتور اطراف تهران نیز بحیدر خان محول گردید. اشتغال بکارهای مختلف موجب گردید که حیدر خان از نزدیک با زندگی توده های زحمتکش ایران و اوضاع اقتصادی و اجتماعی آشنائی یابد. حیدر خان از این موقعیت و فرصت برای نشر افکار انقلابی در میان کارگران و زحمتکشان استفاده کرد و عده ای از افراد ایشان مترقی و انقلابی را به محفل سوسیال دموکراسی تهران وارد نمود و در تهران و سایر شهرها به ایجاد حوزه ها و محافل سوسیال دموکراسی مبادرت ورزید.

این محافل سوسیال دموکراسی موسوم به مراکز کمیته گردید. (حوزه بعضی سوسیال دموکراسی اجتماعیون و عامیون) تهران بر هبری حیدر خان تشکیل شد. مرکز قفس پیرو و مرکز قفس رشت موسوم بکمیته ستاری در پیریت مجاهدین و انقلاب مشروطیت دل مهم بازی میکرد و اساسی.

جمعیت اجتماعیون و عامیون و محافل سری مربوطه بآن با اسم مرکز سوسیال دموکراسی ایران در عین حال در قفقاز تشکیل یافته بود. مرکز سوسیال دموکراسی قفقاز در باجین شهر باکو تحت رهبری انقلابی معروف آوانس آوانسیان نوروی در میان پیشرفت اداره میشد. و جلسه بیرادر حیدر در این انجمن شرکت فعال و اساسی بسائل سری قفقاز و انجمن باکو ضمن مبارزه علیه رژیم استبدادی ایران، دوشادوش دموکرات باکو با رژیم تزاری وضع مبارزه میکرد.

پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ روسیه حیدر خان عمو اوغلی بایران بازگشت و علاوه بر فعالیت در این مسافرتها، تشکیل معلومات نمود. در سال ۱۲۸۶ شمسی (۱۹۰۷ میلادی) حیدر خان مجدداً بایران باز میگردد و علیه انقلاب مجاهد و انقلابی مجاهد در رودبار و مازندران بمبارزه میپردازد. او این مبارزه را در ایران میگذراند. حیدر خان بعد از یکسال به باکو مراجعت کرد و بعد از آن بعنوان مبارز انقلابی در تفلیس مشغول کار شد. در این محل حیدر خان با مهاجرین ایرانی مقیم تفلیس ارتباط داشت و با انقلابیون ایرانی مقیم باکو و تفلیس مرتب در تماس بود. در این زمان حیدر خان با مهاجرین ایرانی مقیم باکو و تفلیس

کرنسکی و نیز کشتار ارتش اشغالگر ترکیه وغیره ضعیف و تقریباً متلاشی شده بود . خود اسد الله غفار زاده در راه ارتباط گرفتن با قوای پارتیزانی جنگل بوسیله عناصر ضد انقلاب مقتول شد .

جنگلها مجاهدین و مبارزانی بودند که علیه اشغالگران امپریالیستی و در یاور فاسد قاجاریه در سال ۱۹۱۵ در جنگلهای گیلان موضع گرفته و به جنگهای پارتیزانی میپرداختند . قوای جنگل جنگهای خونین علیه قوای اشغالگر انگلستان نمود و مدت مدیدی مانع حرکت ارتش انگلستان بسوی قفقاز شد .

جیدر خان بهمراهی حسن ایلخ پیش (که پس از وی در پی کار حزب کمونیست ایران بود) در سال ۱۹۱۸ دومین کنفرانس حزب عدالت را در عشق آباد تشکیل داد و دستجات متفرق حزب عدالت را با هم متحد و خود جیدر خان بعنوان صدر حزب عدالت انتخاب گردید .

جیدر خان درسال ۱۹۱۹ بدعوت انجمن ارامنه حزب عدالت در انزلی اولین کنگره بین المللی کمونیستی به پطروگراد دعوت میشود بعداً باصلاحدیدکمی ایرانیها بجمعیت انترناسیونال بین الملل سوم (کومینترن) وارد شد .

در مجتمع بین المللی کارگران پطروگراد که بوظیفه ایجاد بین الملل کمونیستی تشکیل شده بود، جیدر خان نطق مبسوطی از وضع ایران و آمادگی مردم ایران برای مبارزه و کمک بلاوقفه آزادی بخش سرخ ایفاد نمود و این نطق در جرائد پطروگراد در آن زمان درج و منتشر گردید . نام مستعار جیدر خان در این دوران رجب بصری بود .

و مبارزه بزرگ

جیدر خان در آخر نطق خود چنین گفت :

«انقلاب اکتبر قرارداد ۱۹۰۷ بین انگلستان و روسیه را از بین برد . انقلاب اکتبر تمام مقاصد و هدف امپریالیستی امپریالیسم روسیه را از بین برد . ارتش سرخ را از ایران فراخواند و بدینطریق پایه و اساس انقلاب سوسیالیستی جهان را بنیاد گذارد . ما ها ، امروز پس از پیروزی انقلاب اکتبر شما را مانند برادران و دوستان خود حساب میکنیم و برادر و یا بایستی کمک همدیگر باشیم . ما موفق شدیم از ۱۴ جلل ۱۲۸۰۰ نفر ایرانی را در صفوف ارتش سرخ متشکل کنیم . ما بیش از پیش خوشوقت و سعادتمند خواهیم بود که رابطه بیشتری بین روسیه امروز و ایران انقلابی برقرار کنیم . بما امکان بدهید که بوشا بوش شما ، در ردیف انقلابیون متشرک مرکزه تمالیم و ماخواهیم توانست تا حد هزار نفر ارتش سرخ ایرانی تهیه نمالیم . پیدانست لیست در ایران بوجود آمدن سرخ (ازایران بحری را که در همان ایام در یکی از روزنامه‌های مسکو چاپ شده بود نقل کنیم . مجله مسکی شماره چاپ مسکو شماره پنجاه ایران مورخ ۲۱ مارس ۱۹۲۰ شماره ۳۵ خود چنین نوشت « ۱۵۰۰ نوبه ۱۹۲۰ در تاشکند مسجد ایرانیان مجتمع شدند و تصمیم ایران بریا کردند . دویست نفر از کارگران ایرانی حضور داشتند . میتینگ را نماینده کمیته موجودی حزب عدالت (اشتراکیون) تلفیظان ارتش سرخ ایران بریا کردند . دویست نفر از کارگران ایرانی حضور داشتند . میتینگ را نماینده کمیته موجودی حزب عدالت (اشتراکیون) تلفیظان ارتش سرخ ایران بریا کردند . سپس رفیق معصلی مبعوث از سیاست استیلاگرانه متقابل در ایران و تمام شرق بیانات وتوضیحات داد، همچنین رفیق سلطان زاده و فتح الله زاده در باره اوضاع ایران، نطق های مفید . در آخر از طرف مجلس قرارداده ای صادر و قبول شد . بنا به پیشنهاد یکی از رفقا قرار گذاشته شد برای فرستادن بلیان یک اردوی سرخ از ایرانیان تشکیل بلد . در همان مجلس تمام دوستت لیا ، یعنی همه حاضرین در اردوی سرخ نام نویسی کردند .

شرکت در کنگره خلقهای شرق

در سپتامبر ۱۹۲۰ کنگره خلقهای شرق باشکار کمیتهرن در باکو تشکیل شد . در این کنگره جیدر خان باتفاق محمد آخوند زاده و دیگران شرکت داشتند . جیدر خان جزو هیئت رئیسه کنگره و بعداً در جزو هیئت اجرائیه (کمیته تبلیغات) انتخاب شد . جیدر خان دراین کنگره نطق بزرگی آذربایجانی ایراد کرد که خودش آنرا بفارسی ترجمه کرد . در این کنگره چپ روی و انشعابهای کمونیست ها و انقلابیون گیلان مورد بحث و انکوهش قرار گرفت . در آنموقع چپ روی انقلاب سوسیالیستی را مطرح میکردند و اموال بورژوا و عرده بورژوا را مصادره مینمودند و ضمناً برای پرداختن چاپ زنان و بر علیه مذهب اقدامات و عمل میکردند . چپ روانی تمام قشرهای مختلف زحمتکشان را بمخالفین انقلاب مبدل کرده بودند . جیدر خان پس از خاتمه کنگره در مجتمع عمومی شهر باکو نطق مبسوطی ایراد کرد .

در اوج انقلاب گیلان اولین کنگره حزب کمونیست ایران در ۱۴ ژوئن ۱۹۲۰ در بندر انزلی تشکیل یافت . این کنگره با کادرهای حزب سوسیال دموکرات «عدالت» تشکیل گردید . فعالیت عمده این حزب بیشتر در گیلان انجام میشد . گیلان در آنموقع پایگاه نهضت مرکزی بخش ایران بود .

برنامه حزب کمونیست اعتراف امپریالیستها و ایران ، پرچمین بساط ساختن و فئودالیسم بود . در قسمت ارضی طبع املاک اقوالها و ملاکین بزرگ و تقسیم بلاعوض آنها بدهقانان مطرح شده . کنگره اول حزب کمونیست پس از تصویب برنامه واساسنامه تهرانت و تبریکی بولادیمیر ایلیچ لنین ارسال داشت و ۱۵ نفر را بعنوان کمیته مرکزی انتخاب کرد . سلطان زاده (صدر) کاوران آفایف و میر جعفر پیشه‌وری (جواد زاده) بسمت دبیران حزب انتخاب شدند . جیدر خان عمو اولغلی در این کنگره بجهات زیر شرکت داشت :

۱ - جیدر خان در آنموقع در سرکوم مبارات و جنگهای داخلی در کرستان بر علیه مداخله جویان امپریالیسم انگلستان بود .

۲ - جیدر خان در آنموقع امپراطوران عظیم آسیای میانه (ترکستان) را تجهیز میکرد و آنها را به ارتش سرخ وارد میکرد و بنابراین کمک به انقلاب گیلان اهرام میداشت .

۳ - جیدر خان عضویت شورای جنگ جبهه شرق (ترکستان) را بعهده داشت و برعلیه اشغالگران لژ و ضد انقلابیون در جنگ و نبرد بود .

۴ - دلیل دیگر عدم شرکت جیدر خان در کنگره اول انقلاب‌نظری بود که با سلطان زاده و آفایف ها داشته است . جیدر خان آنها را چپ رو میدانست .

پس از اندک مدتی در اثر فعالیت چپ روانه حزب کمونیست بین زمینی انقلاب گیلان وحدت مبدل بانحلاف شد . تند روی و چپ روی کمونیست ها از طرفی و کزاولی و رعب کوچک خان از توسعه نهضت از طرف دیگر جبهه واحد ملی را متلاشی کرد .

کوچک خان حاضر نبود که انقلاب را بسط دهد، یعنی حاضر نبود که از محیط گیلان پا فراتر گذارد و اصلاحات ارضی را عملی نماید . حزب کمونیست قطعنامه ای در باره عزیمت کوچک خان از صادرات انقلاب صادر کرده بود . خلاصه کوچک خان در ۲۰ ژوئیه ۱۹۲۰ با عدم موفقیتی و با قوای خود بیستگی مورود ، به این طریق انقلاب گیلان منقسب میگردد . نهضت بین المللی امپریالیسم و اجماع ایران سرنگ و متفوق این انقلاب بوده اند .

در ۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰ عضویت جدید انقلاب گیلان بوسیله احسان الله خان بنام کمیته آزادی ایران تشکیل شد . از حزب کمونیست رفقای سلطان زاده ، یعنی جواد زاده و کاوران آفازاده وارداین کمیته شدند . یعنی در دولت احسان الله خان شرکت جستند . احسان الله خان در سالهای ۱۹۱۵ در کمیته مجازات با حسین خرقه الله ابوالفتح زاده و پیشه‌ور زاده کار میکرد . پس از دستگیری و اعدام رهبران کمیته مجازات احسان الله خان باتفاق جنگل پیوست . احسان الله خان تحصیلات ابتدائی نخود را در پاریس باتمام رسانده بود . او مردی بود همه‌کرات و مهور ولی با نظریات آنارشیستی . پس از شرکت جنگل سلطان زاده در حکومت انقلابی گیلان چپ روها توسعه یافته و بعداً کمال رسید . انقلاب گیلان با آن کمیته‌های درخشانی که پیروزیها را نگران و مضطرب نموده بود و ارتش انقلابی را تاتاریوزات لازمین رسانده بود دچار شکست میشود .

لشکریان شاه باکمک ارتش اشغالگر انگلستان جلو شهر رشت را اشغال کردند و به اردبیلی غازیان ، رشت رسیدند . فقط بعد از جنگهای خونین و مقاومت سخت انقلابیون و بعد انزلی و غازیان و آفات زیاد دشمن لشکریان شاه رشت را بعلیه و اما ضمانت هاتم عقب نشینی و در روبدار مجبول موضع گرفتند .

جیدر بر رأس حزب کمونیست ایران و انقلاب گیلان

در نتیجه اعتراضات توده مبرزی و نا رضائی زحمتکشان از چپ روی انقلاب گیلان ، تحت رهنمائی بین الملل کمونیستی ، پلنوم کمیته مرکزی در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۲۰ تشکیل شد . پس از توضیحات لازمه رهبری حزب کمونیست بسمت جیدر خان و رفقای دیگر میرود که تحت جیدر خان بعنوان صدر کمیته و دبیر کل انتخاب میگردد حسن تبت نیز بعنوان معاون و دبیر دوم بعنوان میگردد . اعضای منتخب دیگر محمد آخوند زاده شیرازی ، محمد رسول ، سیفی و دیگران بوده‌اند با انتخاب جیدر عمو اولغلی ، انقلاب گیلان از عناصر سوم خود (وحدت جدید) وارد میشود .

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران مطرح میکرد که در باره مورد‌های انقلاب و اینکه منظره انقلاب گیلان را مطرح ، مورد تصویب قرار میدهد و نیز برنامه واساسنامه حزب را تصویب مینماید . این کار ها و سایر مدارک بر بلیط در ماه دسامبر در انزلی بوسیله شخص جیدر خان تهیه و تنظیم میگردد .

تمام عام و کوشش جیدر خان در این بود که انقلاب گیلان را سر و کمونیستی بدهد و آنرا از دست اشخاص تلاریق و چپ رو هائی مبدل آنها بیرون ها و مدرسه‌ای ها نجات بخشد .

جیدر خان پس از بدست گرفتن رهبری حزب با عده‌ای از جوانان رشید و ورزیده با وجود بدکمکات زیاد و مخالفت های سر و صورتی پس و رفت با مقداری اسلحه بگیلان حرکت مینماید . در این امر مطرح بشیرانی ، الهام دهنده جیدر خان غیر از توده انقلابی ایران رفقای رهبری حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی فوروفلوف لوزوفسکیچ و غیره بوده اند . جیدر خان پس از آمدن بگیلان دست بکار شد و موفق گردید پس از رفقای انقلاب گیلان اتحاد بعد . (حکومت انقلابی جدید تحت رهبری جیدر عمو اولغلی خان بوجود بیاورد . و خود جیدر خان در دولت انقلابی جدید وزارت امور خارجه را بعهده گرفت . ولی در حقیقت رهبری تمام جریان انقلاب گیلان با جیدر خان بوده است .

کمیته جدید انقلاب مرکب از میرزا کوچک خان ، احسان الله خان ، جیدر خان عمو اولغلی ، خالو قربان و میرزا محمدی بود . پس از اعلی انقلاب جدید نامه ای بلندنه رسید .

شرکت جیدر خان عمو اولغلی کم اهمیتی زیادی در انقلاب مشروطیت ایران نسبت آورده بود . در انقلاب گیلان موجب مسرت و خوشحالی آزادیخواهان و رونق مجدد انقلاب گیلان گردید . فرمین حال موجب وحشت و نگرانی معاملی ارتجاع و امپریالیسم شد .

جیدر خان وحزب کمونیست ملی بنجه کردن تمام قوای انقلاب را در گیلان مصمم آنها کرد مصمم و جبهه واحد ملی متشکل میکرد . در این دوره بود که برای تحکیم وتقویت مقوف خود جیدر به کمیته عزیز او عناصر نایاب و مخالف مبادرت میورزد .

در تز های جیدر خان مصوبه پلنوم کمیته مرکزی ضرورت اصلاحات ارضی مبنی بر تقسیم املاک ملاکین بزرگ بین دهقانان مقسم شمرده میشود و جیدر خان صدارت و رهبری اتحادیه دهقانان را بعهده گرفت

( ) ما در آینده در مطبوعات حزبی از طی مبروف تبلیغی و انتشار خواهیم داد . هیئت تحریریه

مجله‌ای مردم .

با آنکه توافقات تمام بین زحمتی انقلاب گیلان بانضمامی همه رسیده بود ، معهذا میرزا کوچک خان برشت ایاند و کما کمال در اوس باقی ماند . احسان الله خان نیز که از رشت بگیلان دوباره ، محروم شده بود بدون ابلاغ ، کمیته انقلاب با طرفداران خود و عناصری مشکوک بطرف تهران اشکر کشن کرد و در حوالی قزوین شکست کردید . و بلاجبان غب نشین کرده و لشکریان شاه بسرکردگی رشتا خان مشغول بر پنج روز جنگ زدن تا شهر لنگرود پیش رانده .

پس از شکست صدمات احسان الله خان و رسیدن لشکریان شاه برشت ، رشتا خان بشهر لنگرود خود خان مأمور جلوگیری از پیشروی لشکریان دولت شد . تحت رهبری جیدر خان ارتش قوائی در نواحی لنگرود و رود سیاه شکست کردید و مجبور بعقب نشینی گردید .

پس از شکست قوای ارتجاع سر کردگی رشتا خان مرتجع ایران بالیست هاکمک فکری اوتوم استاسلنه تصمیم گرفتند که انقلاب گیلان را از داخل منفجر و متلاشی نمایند و جیدر خان را ترور نمایند . آنها حس کردند که با سر نیزه نمیشود انقلاب گیلان را از بین برد . آنها تصمیم نمودند تمامی خود را گوشه بین این کار طرفدری را از چندی قبل بگیلان انزام داشتند و با مقدمه تمین آنها را ژاندار بتاخاندن قلق و مبارزه تهانی بر علیه‌خرب کمونیست و رهبری آن جیدر خان عمو اولغلی آمودند. این قاصر پس از وجدی کار محرمانه و ماهرانه موفق شدند تشکلیون تشکیلی انقلاب را تعیین نمایند. مخصوصاً کوچک خان را که مردی متزلزل و مورد بود نسبت بجیدر خان و حزب کمونیست مطلوبی کردند . بکوچک خان تلقین کردند که جیدر خان و رفقایش مزخدمه کولتا واتوطاه برای از بین رفتن شخص او میباشند.

۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱ کوچک خان قشه کودتای ضد انقلابی جیدر را بموقع اجرا گذاشت . در این روز به پهله مشورت در امر مهمی کمیته انقلاب را دعوت بصورت مرا دار قلات خود نمود . تمام اعضای حکومت بسلاندنی احسان الله خان . که در جبهه رود سر و رانکوه بود همه حاضر شدند . جیدر خان باتفاق سر خوش و خالو قربان و خالو کریم ، میرزا محمدی و غیره حاضر شدند . میرزا محمدی چون از نقشه خائنانه کوچک خان با خبر بود لذیه بهلهای از عمارت خارج شد . حاضرین بانتظار حاضرشدن میرزا کوچک خان بودند که ناگهان یاور کوچک خان صدای شلیک بلند شد و عمارت آتش گرفت . جیدر خان و خالو قربان و خالو کریم خود از ایوان عمارت بزیر پرتاب کرده و دفع کنان فرار کردند .

خالو قربان و خالو کریم چون پرتابهای جنگی آشنا نبودند بالنتیجه دچار آفرین رسانده بود . چون بود لو ها را باند نبود از راه تسمیم خود را به پل بندر انزلی رسانده رشت رساند . در این جا تاشکندران کوچک خان پسر کوچک حسن خان کیشرنمای جیدر خان را دستگیر و پس از شکنجه در صبح اول اکتبر ۱۹۲۱ (۱۳۰۱ شمسی) بقتل رساندند . و با این عمل خائنانه نقشه بریده کوچک خان پیاده شد و پس از چندی انقلاب گیلان بانان یافت و رشت و انزلی به تصرف قوای رضا خان در آمد و عمو کوچک خان نیز موجب تعقیب قوای دولتی فرار کردند و در موقع فرار نیز از مشروطه‌خلال در الوسیرسی شدید نیمه بوده اند . مأموران دولتی نیز در فرار آن جا گرفتند و با سر بریده قلب محمد خان پسرش به تهران آوردند .

جیدر خان عمو اولغلی « افشار » از شخصیت های برجسته‌ها و انقلابیون دوران میهن ماست . وی یکی از بنیاد گذاران نهضت مشروطه و پایه گذاران جنبش کارگری در ایران بشمار میآید . ترویج اندیشه مارکسیزم ، انیترنیزم در ایران است . جیدر خان بنوشتن جزب عدالت و جنبش سوسیال دموکراسی انقلابی در کشور بدست وی هم العلم مور بود و هم العل . نیمه‌ها بود . تردید از نهایت کوبن چهره های تاریخ معاصر است . جا دارد نسل انقلابی ایران زندگی او را سر مشق قرار دهد .

و ... و ...

تصحیح

در شماره هفتم ماهنامه مردم درج بوده ایران و جبهه بلی سرم» در صفحه ۷۷ سطر ۲ سطر ۴ بجای «آتش کمونیسم» «کمونیست» چاپ شده که از خوانندگان گرامی خواهشمندیم این غلط چاپی را تصحیح فرمایند .

مسائلی که جنبش دانشجوئی با آنها روبرو است

همراه با رشد جنبش دانشجوئی ایران مسائلی مطرح شده و میشود که حل نظری و عملی آنها برای رشد آتی جنبش ضرورت حتمی پیدا کرده است. بهمین جهت ما از فرصت تشکیل کنگره سالانه کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایران استفاده میکنیم و براساس تجربیات گذشته نظر خودرا در باره چند مسئله اساسی باختصار بیان میداریم. شایان تذکر است که برخی از این مسائل روشن و یا کهنه بنظر میآیند ولیکن بعلت دیرباره آنها و تکرار حقایق است. در حقیکه مسئله‌ه در واقع چنین نیست. در باره مسائل مختلف تغییرات و استحالات گوناگون وجود دارد و بویژه هر عمل پاتیجه که بطور کلی و اصولی مورد قبول است توجه کافی نمیشود. دیگر آن که غلطی ما در اینجا افراد و گروههای مبتنی نیستند. ما این مسائل را هم با توده‌ای و هم با غیر توده‌ای در میان میگذاریم و همدلان کمك به توضیح کردن نظریات و حل مسائل است.

استقلال

استقلال از مختصات اصلی یك سازمان صنفی است. اکنون کنفدراسیون و سازمانهای وابسته بآن مستقلند. بهیچ حزب سیاسی وابسته نیستند. برنامه و اساسنامه و مشی معین و جدا گانه دارند. جلسات و کنگره های خاص خود را تشکیل میدهند. این رویه کاملا مثبتی است که باید آنرا حفظ و تقویت کرد. ولی همه اینها هنوز بمعنی داشتن استقلال کامل نیست. گفتم در این باره اکنون سیاسی این تمایل دیده میشود که سازمان دانشجویان را ابزاری ذخیره «ابزاری کیسکی» و «تکیه‌گاه» خودقلمی میکنند و برضائی معین ذاتی بازیرمیکوشند آنرا استفاده کنند. تحمیل یك شعار مشخص سیاسی و استفاده از امکانات بیشکلانی، سیاسی ومادی سازمان دانشجویان و غیره اشکال گوناگون چنین استفاده‌ای است. همه اینها سرانجام کار را بنفی عملی استقلال سازمان دانشجویان و رویگیری عملی سازمان دانشجویان باز نمیآورد آن گروه سیاسی میکشانند. در سازمان دانشجویان گروههای مختلف سیاسی شرکت دارند. جنبش دانشجوئی جزئی از اهمیت عمومی مردم ایران در راه آزادی و استقلال است. سیاست چنین سازمانی از یکطرف باید براساس منافع مشترك اکثریت اعضاء آن و از طرف دیگر برپایه منافع عمومی ملت ایران تنظیم گردد. اگر قرار باشد هر گروهی که در رهبری سازمان اکثریت بدست آورد، سیاست خود را از پیش برد، گاه به هرج و مرج و تشتی خواهد کشید. بدین جهت باید اعضاء و سازمان وابسته‌های دانشجوئی بتوانند بین هدفهای سازمانی و سیاسی عامی خود و سازمان دانشجوئی فرق قائل شوند. واین تفاوت را در عمل دقیقا رعایت کنند. فقط در چنین صورتی است که میتوان اعضاء همه را جلب کرد و برای این اعضاء توده دانشجو هم برای تولد پیدا هدفهای عامی سازمان جهاز کرد و هم بمبارزه در راه هدفهای کلی ملت ایران کشاند.

جبهه دیگری از استقلال مربوط بداخل کنفدراسیون است. درست است که سازمانهای وابسته به کنفدراسیون مشی عمومی کنفدراسیون را قبول دارند و موظفند به پیروی از انضباط مشی عمل. ولی این سازمانها هم در چارچوب اساسنامه عمل خود و براساس رعایت حقوق و منافع اکثریت اعضاء خود مستقلند. آنها آزادند که با توجه باین دو نکته هم تصمیمی را که میخواهند بگیرند واین تصمیم را هم بمرحله‌عمل درآورند. گاه باز خواستهائی از طرف دار گروههای بالاتر پیدا میآید و انتقادی خواسته میشود که بیشتر باختیار حزبی شبیه است. چنین روشی هم به استقلال و هم به دمکراسی لطمه میزند.

دمکراسی

سازمان صنفی ماهیتا یك سازمان دمکراتیك است. رعایت این دمکراسی فقط در این نیست که ارگانهای اجرائی انتخابی باشند ولیکن ارگانها در کنگره‌ها منتخبین خود گزارش بدهند. ولی اکثریت محترم اجرا باشد. این فقط یك جنبه دمکراسی است در سازمانهای دانشجوئی وجود دارد. جنبه دیگر رعایت حقوق و منافع گروههای مختلف که در اقلیت هستند ممکن رعایت گردد. در تمام مسائل مهم به توده اعضاء مراجعه شود و آنچنان شرایطی فراهم گردد که اقلیت بتواند آزادانه نظر خودرا بیان کند و اگر فرصت میگفت با اکثریت تبدیل شود. جنبش در ارگانهای رهبری هم بنابه اقلیت را شرکت داد تا اعضاء همه افراد جلب شود. ولیکن عملی کردن طرحها و برنامه‌ها بوجود آید. چون باین نکته اساسی باید توجه داشت که اگر اعضاء سازمان صنفی دانشجوئی و بنا استقلال کامل باختیاری دستوری تبدیل شوند، هیچگونه مقررات انضباطی نمیتواند و حق ندارد آنها را باجباری مسیور وادار کند. جز غیر اینصورت یا بصورت روی کاغذ میماند و یا باجباری بقوات انضباطی افراد و سازمانها از دست میروند. گاه دیده میشود اکثریتی که (گاه از نصف باضافه یك یا دو تجاوز نمیکند) بدون کوشش در راه اقناع مخالفان و پیدا کردن راه حل مشترك معرضت نظریات خودرا تمام و کمال از پیش ببرد. چنین روشی با روح دمکراتیك سازمانی صنفی مغایرت دارد و منجر بفرقه میگردد. بعلاوه اکثریت بقید واقعی نیست که ظاهری (یعنی کوشش نشود که فرقه‌ها معین و بوجود نیامد) در نظر عدهٔ اکثریت بدست آید. اکثریتی واقعا است که علاوه بر اکثریت عددی از نیاز دانشجو را هم در بوتانیه باشد. بهمین جهت سازمان دانشجوئی همیشه باید آنچنان سیاستی را در پیش گیرد و آنچنان شعاری را بدهد که مورد قبول و پشتیبانی اکثریت هر چه وسیع تری از اعضاء سازمان و توده دانشجو قرار گیرد. این کاری هم لازمه اثر نه فقط تشبث فرصت شعار هست، بلکه کار بردن روش اقناعی برای بوتانیدن شعارها نیز هست و این کار فقط با احترام به نظریات گوناگون امکان پذیر است.

فعالیت سیاسی

در دنیای کنونی هیچ فردی ودارهائی ازسیاست بر کنار نیست ونمیتواند باشد. بویژه درکشور کهن‌ومتمدن ایران که روشنفکران نقش مهمی در مهدهای ملی وبلند استعدادی دارند وبوجودآمده‌اند. شرکت فعال سازمان دانشجویان ایران در سیاست و در مبارزه عمومی ملت ایران موجب کمال خوشوقتی است. بنظر این صحبت برسر شرکت یا عدم شرکت سازمان دانشجویان در سیاست و در فعالیتهای سیاسی نیست. سخن برسر حدود است. برای روشن کردن این امر باید بیاد عضات و ترکیب سازمان دانشجویان از نظر گرفت. اگر درست است که سازمان دانشجویان بانسازمان و پیشاهنگ نیست، بلکه یك سازمان توده‌ای است که خیلی از افراد آنکه و تا که در کنار هم قرار گرفتند. اگر درست است که در سازمان دانشجویان افرادی با نظریات گوناگون سیاسی و مشکل شرکت دارند. و بالاخره اگر درست است که اکثریت دانشجویان باید بتوانند اکثریت هر بحثی در دانشجویان را در خود منعکس سازد. آنچنان این جبهه گیری هم درست و منطقی است که باید تا آن حد فعالیت سیاسی کرد و آنچنان شعار های سیاسی را مطرح ساخت که بتوانی از نظر عددی اکثریت بدست آید. اکثریتی واقعا است که علاوه بر اکثریت عددی از نیازمندگان، عناصر در باید جامه پشتیبانی اکثریت توده دانشجو را هم در بوتانیده باشد. بهمین جهت سازمان دانشجوئی همیشه باید آنچنان سیاستی را در پیش گیرد و آنچنان شعاری را بدهد که مورد قبول و پشتیبانی اکثریت هر چه وسیع تری از اعضاء سازمان و توده دانشجو قرار گیرد. این کاری هم لازمه اثر نه فقط تشبث فرصت شعار هست، بلکه کار بردن روش اقناعی برای بوتانیدن شعارها نیز هست و این کار فقط با احترام به نظریات گوناگون امکان پذیر است.

فعالیت سیاسی

در دنیای کنونی هیچ فردی ودارهائی ازسیاست

از ژاله

نیست از زندگیها بود مرگبار

نیست از زندگیها بود مرگبار
نیست مرگ از زندگی افزون
نیست شوره زاران که گذارد شد
نیست باید گل پوسید تخم در زمین
نیست بر دار یا بگیرد گشت «ن» ی
وز آن «ن» ی گشت دیجیر خویش
نیست از تاریکی مردان که مرداند اسیر
که پنهان نمود تاشمشیر خویش
نیست خدا که دخیره خونخوار او
بچکه لرد و زرد بر شد به تخم
نیست خدا که آن جنبش خصم کوب
تند آزاد یك تند دور بخش
نیست مستم بیشه دار گر بخشی خطاست
خواهد در خلق دزدنده‌ای
نیست که از جوان دیرینه تیدار شد

بکیفرهم وصف بندی؛ درجهت نزدیك کردن نظریات کوشیده و نقاط مشترك را پیدا کرد. زیرا که در ابتدا بحث برسر یکی کردن تمام عقاید و نظریات نیست و نمیتواند باشد.

باآنکه هر دو اکنون در سازمان ملی دانشجوئی اتفاق نظری که در مسائل سیاسی و بویژه در مبارزه ضد استعماری وضد استبدادی وجود دارد بسیاره است، ولی مشکلات که کج روهائی هم بیشتر میشود. صف بندی سیاسی کجیرای گروههای مختلف جبهه اصولی دارد و حل این مسائل بتوسل به رأی، یا اتخاذ تصمیم‌ها کمك نکرده است. تجربیات گذشته بویژه در این مسئله باید آموزنده باشد. که برای نیل به شعار درست کنفدراسیون (اتحاد - مبارزه - پیروزی) وش آزمایش و بامصادف دیگری باید بروی هدف مشترك تکیه کرد.

اتحاد

هر جنبش اتحاد شرط اساسی پیروزی است. با توجه باین نکته دامن شعار اتحاد بهیچوجه کافی نیست. باید دائما در جنبش راههای نیل به اتحاد بود. بایستی برای اتحاد نیز مبارزه کرد. بویژه در سازمان دانشجویان که افرادی از قشرها و طبقات گوناگون وانظریات سیاسی ومسلکی متفاوت شرکت دارند. پروسه‌ای بی‌اعتقاد بنظریات متوازن است. بنرای ایدئال واقع بینی، خودسوزی، مبارزه پیگیری و گفتنت لازم است. اگر این نکات رعایت شود آنوقت سازمان دانشجوئی میدان بسیار مناسبی برای آراء و عقاید اجتماع میگردد. اتحادهای فرعی و جمعی برقرار میشود. وحدت عمل بوجود میآید و هر روز گام جدیدی درراه اتحادی عمیقتر برداشته میشود. ضرورت کنونی سازمان دانشجویان میتواند حتی نمونه‌ای برای وحدت عمل در سایر سازمانهای توده‌ای و دمکراتیك و برای اتحاد همه‌نیروهای ملی در مقیاس کلی تر قرار گیرد. اهمیت رعایت استقلال و دمکراسی در سازمان دانشجویان در پرتو مسئله اتحاد باز هم بیشتر میشود. زیرا هر عملی و هر شعاری که باعث دانشجویان لطمه زند، آنرا تضعیف کند و پاره‌ای تفوت و تمیزه آنرا سد نماید لغزشت است. در اینصورت مسئولیت سازمانهای دانشجوئی و گروههای مختلف سیاسی که در برابر توده دانشجو، با توجه در مقابل ملت ایران دارای مسئولیت سنگین هستند. وحدت نظری که بویژه در این اواخر در بین دانشجویان بوجود آمده قید بعضی و تمایل تحسین‌آمیز است. باید بیشتر با کوشش تمیزی این مسئولیت برای تحقق آن تمایل مبارزه کرد، تا در آینده وحدت حمل بر هر تمیق‌تر و همه جانبه‌تری برقرار گردد و راه پیروزی هموار شود.

اینها توضیحات مختصری در باره برخی مسائل بود که جنبش دانشجوئی با آنها روبرو است. همانطور که در آغاز تذکر دادیم طرح و بحث این مسائل از حدود آن نوع نزدیك کردن نظریات و تحقق اتحاد برای پیدا هدفهای مشترك است. بنظر جنبش دانشجوئی ایران، اگر ما نکته بحدت شایسته خود هم اکنون تحقق و شعاعت نمودن تحمیلی در راه دفاع از حقوق و تمام صنفی وسیاسی دانشجویان مبارزه میکند وهم برجستگی مبارزه ملت ایران علیه رژیم ضد ملی وضد دمکراتیك کنونی دارد، بان درجه ارتقاء رسیده است که بتواند مبارزه منطقی این مسائل نیل آید.

الفوته

رادیو پیك ایران

مدت روزه بند ساعت ۶ - ۸ بعدازظهر بوقت تهران بوسیله امواج کوتاه ۲۵ - ۳۶ - ۴۱ متر برنامه پخش میکند

رادیوی پیك ایران زبان گویای همهٔ مردم ایران و آزادیخواهان ایرانی است

رادیوی پیك ایران را بشنوید و بشنوانید

آنرا بدیگران توصیه کنید

بقیه از صفحه ۱

ششمین کنگره سندیکائی جهانی

مخالفت قرارداد تایلنر فدراسیون سندیکائی جهانی با تسلیح آلمانی ارتش آلمان غربی و با سیاست تلافی جویانه و اغلق طبقهٔ جمهوری فدرالیو آلمان از اینجا ناشی میشود .

تابع وحدت سندیکائی بین المللی

اولی سایان گفت : جریان وحدت زحمتکشان که بالاضافه بعد از دومین جنگ جهانی شروع شد در همهٔ قاره ها تسلیح بازگشت تازه‌ئی بوجود آورد ؛ تسلیح تشکل زحمتکشان در سندیکاها ها از نظر کمی و کیفی اعلاء پذیرفت . مبارزه طبقاتی در کشور های سرمایه داری شدت یافت . اتحادیه ها با پیروزی های جدید و حقوق بیشتری تشکل شدند . هر کشور های رشد یافتهٔ سندیکاها ها در نبردارت رهائی بخش ملی فعالانه شرکت کردند .

یکی دیگر از نتایج مهم وحدت، حتی است که جنبش سندیکائی بین المللی طبق مادهٔ ۱۱ منشور ملل متفق بدست آورده . بموجب این ماده در کابینهٔ سازمان اجتماعی و اقتصادی ، مربوط بازرگانی و خزانه ها کار زحمتکشان جهان باید با سازمان سندیکائی بین المللی مشورت شود .

[illegible] نمایندگان سندیکا [illegible] فدراسیون [illegible] شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متفق با فرمیکسو عوکت شدند .

فدراسیون سندیکائی جهانی پرچمدار وحدت سندیکائی ملی و بین المللی

نطق با اشاره به تاریخ تأسیس فدراسیون توضیح داد که درهشتم اکتبر ۱۹۴۵ بوجود آمد . مراکز سندیکائی کشور های مختلف جهان سازمان سندیکائی بین المللی جدید یعنی فدراسیون سندیکائی جهانی بوجود آوردند . کلمه جهانی که برای اولین بار در اعلامیه نهائی نخستین جلسه کمیته سندیکائی فرانسه و شوروی بکار رفته نشان میدهد که آنچه تا آن زمان بدنوان سازمان سندیکائی بین المللی وجود داشته بمفاهیم عملیات جهانی بدل شد .

در سال ۱۹۴۶ برای تأمین وحدت سندیکائی بین المللی کوشش بعمل آمد . در آن زمان در جنبش کارگری کشور هائی مختلف از انجمله در سازمانهای سندیکائی افکار جدیدی که میخواست در باره وحدت عمل فلسفی، بیافتد جبهه تودهٔ ای برای دفاع از اولویتهای دم گرداندن بیان کرده بود انعکاس عمیقی داشت . در اثر تشدید آمادیه تقسیم، رسیدن هیتلر به قدرت ، از هم پاشیدن مرکز سندیکائی آلمان ، پر شدن آرمانها های هر [illegible] زندانیان ، مارش شدن فاشیسم ایتالیا، جنگ اتروپی میگذرانیم ژاپن ، اتحادیه ها در همه جا بشکلی وادار به پذیرفتن ، آینده بشریت وظیفه کارگر را خطر بزرگی تهدید میکرد . اینکه مقابله با خطر تنها کل سندیکاها بود ولی لازم بود که سندیکاها با احساس مسئولیت عمل کنند و کرنه برای مدت طولانی ادوار میشدند .

بدین ترتیب در ژوئیه سال ۱۹۳۶ در کنگره اتحادیه‌های بین المللی موسوم به بین المللی سندیکائی آمستردام بنوا ، فدراسیون سندیکائی بین المللی به گردانندن برگزار شد . بخش از هیئت های نمایندگی معترضانه خواستار اتحاد سندیکائی بین المللی بودند و مطالبه‌شدند که با شورای مرکزی اتحادیه های اروپا شوروی برای حل مشترک و فوری اقدام شود . نتیجه کوششهای خردمندانهٔ وحدت سندیکائی بین المللی آن بود که در کنگره نامبرده اقدامهائی به مضمون لزم بصوب رسید .

« کنگره نمای فدراسیون سندیکائی بین المللی از وحدت تأسیس وحدت سندیکائی بین المللی تأیید میکند و برآنست که بالفوجه به وضعیت وضع کنونی بین المللی این نمایی بایدانه بیفد .

بدین منظور کنگره از فدراسیون سندیکائی بین المللی میخواهد که با مراکز سندیکائی بین المللی اسکاندیناو ، لاتاد جدید، شرق دور ، اتحاد شوروی و کلیه مراکز سندیکائی غیر وابسته وارد مذاکره شود تا در سراسر جهان جنبش سندیکائی متحدی بوجود آید » .

در این جلسات کوتاه هم ۱۰ وضعیت وضع بین المللی شده بود و هم ۱۰ وظیفه بلیغه کارگر جهان برای تأمین وحدت اشکالی یافته بود .

از اطراف این جلسات دو اعلامیه صادر گردید که آنرا تحمل کرده و غیر صمیمانه پذیرفته بودند متوقف شد . تاریخچه این اعلامیه کوتاه و بلیغ اساسی نشان میدهد که باید اجرای تصمیمات وحدت طلبانه مجامع سندیکائی را بدست رهبرانی سپرد که تصمیمات را محترم شمارند و شخصاً بطور وحدت عمل بنمایند .

در ژوئیه سال ۱۳۳۹ ، چند هفته قبل از آغاز دومین جنگ کنگره فدراسیون سندیکائی آمستردام که قرارداد تشکیل شد، اعلام ارادهٔ اتحاد سندیکاهای شوروی را بصوب رسید . بتشریح این اقدام فدراسیون سندیکائی که از هر کرانه سودی برای طبقه کارگر عاری شده بود از بین رفت . ولی در سال بعد در آغاز جنگ دوم ، کنگره اتحادیه های انگلستان از سیاست مشی تجزیه طلبانه دست برداشت و بطلق آراء تصمیم گرفت که با فعالیتهای شوروی برای تشکیل یک کمیته سندیکائی اقدام کند . قدمها برقرار شد و برای تأمین وحدت سندیکائی دورنمای جدیدی پدیدآمد . ولی آتش جنگ شعله‌ور بود ؛ ورایزهای حاسله از لشکر کشی آلمان هیتلر ، کشتار کارگران وسایر دم گرانها روز بروز توسعه میدادند ؛ طبقه کارگر درنهدت مقاومت ومبارزه ساحتمانه عدم همیاری جای خود را انتقال میکرد . آیا باید چنین شرایطی بدنبال تا بقا پدید آید ؛ خط مشی حقیقی کشف شود و بسیر پسوی اسیر وحدت تأیید کرده ؛ جای آنست که امروز نیز در باره این حوادث بیاندیشیم .

در مدت بیست سالی که از تأسیس فدراسیون میگذرد رهبری فدراسیون هرگز از درسهای تاریخ جنبش سندیکائی بین المللی دوری نجسته است .

سپس لوتی سایان گفت : بعد اجمالی میکنیم که با پایان نخستین دوره فدراسیون سندیکائی جهانی در فوریهٔ جدیدی فرا میرسد که باید دوران احیای وحدت سندیکائی بین المللی باشد .

نطق پس از تشریح شیوه‌های تجاوزکارانه وغیر انسانی امپریالیسم آمریکا بمردم ونمنام قوه فرسنگ و زحمتکشان سراسر جهان را دعوت کرد تا با شدت اعتراض خود علیه تجاوز امپریالیست‌های آمریکا بیافزایند .

سایان گفت : مسائل گوناگونی در مقبول جنبش سندیکائی مطرح خواهند شد. ارشکنیمن کنگره سندیکائی جهانی است که باید برای حل این مسائل طرقی پیشنهاد کند ؛ لازمهٔ تحقق طرق پیشنهادی کنگره وحدت نیرو های سندیکائی موجود است .

سپس قدمهای جدیدی که برای تأمین وحدت مساعد است در واقعیت سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی هر کشوری ، هر قاره‌ای وبیانیهای جهانی بوجود میآیند و بوجود خواهند آمد . مشکلات بیاید بمنظور تسریع وحدت سندیکائی بین المللی در پنج زمینه خاص طرق جدیدی پیش پای کرد :

۱ - تأمین ارتباطات بازار هم بیشتر سندیکائی دو جانبه وچند جانبه بین کشور هائی که بمنطقهٔ اقتصادی و سیاسی خاصی بستگی دارند . سندیکاهای کشور های بازار مشترک باید بیش از همه عمل کرد و از شرایط اروپای انحصارها تبعیت سازند تا در بین حالیکه بمنظور دفاع از منافع فوری ، زحمتکشان دفاع میکنند اروپا را بطروق دم گرانبهاء و مترقی مبدل کنند .

۲ - ایجاد روابط جدید دوجانبه بین سندیکاها و مراکز سندیکائی قاره جدید که در آن کشور هائی با سیستم اقتصادی و اجتماعی گوناگون موجود است و احتیاج تضمین صلح ، امنیت و ترقی اجتماعی هر دو بیشتر احساس میشود .

۳ - توسعه روابط جدید سندیکائی بین قاره‌ها برای مشاوره و عمل مشترک . سندیکاهای افریقا و اروپا درعین حالیکه استقلال همدیگررا محترم میدارند با یکدیگر تشکیل و همبستگی بین خود نیز بیافتند .

۴ - تجدید و بهبود کلیه تشکلات فدراسیون و اتحادیه های حرفه ای بین المللی بمنظور ایجاد شرایط همکاری مؤثر در مسائل مشخص با کشورهای جهان اتحادیه های آزاد پیرو در دورت سازمان بین المللی کار ، دفتر بین المللی کار ، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متفق و پونسکو .

۵ - تهیه یک کنفرانس جهانی فوق‌العاده با شرکت نمایندگان اتحادیه‌های ۲۰۵ میلیون زحمتکش متشکل در جهان ؛ تشکیل میز گرد واقعی سندیکائی جهانی که خود آن هم یکی بنیانیه خود ، افکار عمومی پیشنهادهای خود گردآید ودرآنجا مشاوره ، تبادل نظر ، شیوه اساسی کار باشد ؛ دفاع از صلح ، ترقی اجتماعی ، حاکمیت ملی و آزادیهای دموکراتیک هدف اساسی را تشکیل دهد .

این بود که این جنبش جهانی و جبهه پرست ازدموکراتیک و دموکراتیک تشخیص داده شده بود ؛ جنبشی شناخته شده بود که بافرهاد ایران ، بخاطر کمه زحمتکشان ایران مبارزه میکند ، میکوشد میکن است جنبش که در آن اینامه مبارزه ایران شرکت نمیکند و اینامه ایرانی داده و اینامه مورد حمایت قرار گرفته تحت شعارهائی که ایران برانداز باشد ؛ حزب ما دفاع از استقلال وتمامیت ارضی کشور ایران را از اصول مقدس مرامنامه خود میداند ومرکز فرگذشته این وظیفه خود را ایفاء نموده و درآینده نیز ایفاء خواهد بود . بوست است که حزب ما برآنست که درایران خلقها واقوام مختلف زندگی میکنند که باید در افراد امور خویش و برخورداری از فرهنگ ملی مختار باشند ولی قرین حال حزب ما معتقد است که میان ملیت ، باورین هازارت سالهٔ تاریخی و معنوی ، این خلقها را در میان واحد پیوند میدهد و جنبش و نبرد و سرنوشت آنها واحد است . هر گونه سیاستی علیه آنها موضع تیوریسم ملت بزرگ یا نابرابریالیسم ملت کوچک که بخواهد سنگ تفرقه در این خانواده خلقها بیندازد ارتجاعی ومعکوس است ؛ چنانکه هر گونه سیاستی که بخواهد حقوق افراد ، ملیتها وزحمتکشان و خانواده این خانواده بزرگ را نادیده بگیرد نیز ارتجاعی و مطرود است .

جنبش دیروز و ارتجاع ایران نمیخواهند که مردم ایران بخاطر آورند که جنبش دموکراتیک آذربایجان هر آنان چه موجی از احساس همبستگی و دوستی بوجود آورد و بیوندهند بین جلوگرد سازند که کوبا این توطئه‌ای بود از جانب عمل خارجی برای تجزیه کشور که ، ابوغ شانشاه ، آنرا هم گذاشته است ! ؟

سرکوب خونین جنبش آذربایجان

سرکوب جنبش دموکراتیک آذربایجان و کردستان یکی از صفحات سیاه مبارزه ، شانشاه آریا مهر ، است . از پیشخی افکار عمومی جهان هنوز از تصاعد فجیعی که بدست قاتلان و جلادان گماشتهٔ شاه در پائیز و زمستان سال ۱۳۲۵ در شهر ها و روستاهای آذربایجان شده است کاملاً بی خبر نیست و یکی از اوراق خونین تاریخ هنوز از نظر افکار عمومی جهان مستور مانده است . دولت قوام السلطنه که خود جنبش دموکراتیک آذربایجان شناخته را آن زاویهٔ مذاکره شده بود ؛ پیمان شکنانه بر سرکوب قهر آمیز این جنبش را در پیش میگیرد ، شاه و روز آرا ولیس ستاد ارتش از فرصت برای انتقام جوئی استفاده میکنند . هر ابعاد زندان و حبس سرشار آذربایجان بدون وآتش کشیده میشود . بدون محاکمه هزاران انسان را در کوچه و بازار میکشند . دهکده‌های صحرائی سد ها نفر دیگر را بدار و تیر باران محکوم میسازند . دادگاهی ها و ملاکان باز میگردند . افعالی تسلیم شده غصب میشود . عده‌ای از بهترین فرزندان آذربایجان وسی و سه تن از شریف ترین افسران ارتش ایران بدون محاکمه بقتل میرسند . آزادی بیان جنبش بیوسته بوداند بشهادت میرسند . تنم پاک این شهیدان حلقه صدیر مردم ایران است و فریادی است که وام آنها بیش از استقلال دموکراتیک ایران و مرکز ایران سر انجام خاموش همه قوا و تشبیها و مشکلات بیرون خواهند شد .

شاه این کشتار فجیع را « نجات آذربایجان » نام نهاده است . زمانی پر سر آنکه « تهرمان ایران » « نجات » کیست بش شاه ، قوام و روز آرا رقابت میکرد ، اینک رقیبه ، سرود شاه ، تهرمان آریا مهر ، در زمینه بی معنی و بی جهت تا میخواند لاف میزند . دیگر سخنت آلاسکه شاه در افراد جبهه های جنگ با هواپیما در پرواز بود « نجات » آذربایجان ، کسانی که کوه‌ادن زود ها و جنبشها هستند در ایران در افراد آن لاهاشیلی اند آنها را و همه خونسرد و پژوهنده کل حقایق تاریخی را فریب دهد .

ارتجاع ایران نه از یک جبهه جنگ ، بلکه از راه غیر و بیمان شکنی جنبش دموکراتیک آذربایجان را سرکوب کرد . شاه آذربایجان را بخاک رفاند بلیکه در خون آنها ساخت . سیاهترو شوم ارتجاع ایران در آذربایجان این خطرناکترین دهار انواع ادرار ها ساخته است . علیرغم عوامفریبی ، و سخنرانیهای بخاطر افراد ، نظم هویدا به آذربایجان هنوز ادامهٔ دارد . تبریز خونهای ارزش بیش بر آورده شده است . کابینت که بطوح جمعی از آذربایجان اقدام کریم ، طی دوران رژیم کودتا برای مدعی امان شاه و بر از این استقلال کوبیده اند . در یکی از این کوبه‌ها

بقیه در صفحه ۸

بقیه از صفحه ۱

بیست سال از جنبش دموکراتیک آذربایجان میگذرد

آغاز تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ در اسناد این فرقه مسئله حفظ تمامیت ارضی ایران ودفاع از آن تصریح شده است . در مواد ۴۵ - و ۴۶ مرامنامه فرقه ذکر شده است که « جنبش دمکراتیک است از ایران ، و مردم آذربایجان یکی از خلقهای ایرانند، شعارولی پیشقدوی از همان آذربایجان گفت : « حرف برسر جا شدن آذربایجان از ایران نیست . هیچکس چنین ادعائی ندارد . ما هرگز چنین ادعائی را مطرح نکردیم » . پیشقدوی در ۶ آبرسال ۱۳۲۵ گفت : « ما به تأمین استقلال ایران تصمیم گرفتیم » برای تأمین استقلال ایران تصمیم آنچه که در فرقه‌ایران شد خبر است . وی در ۱۲ شهریور ۱۳۲۵ بمناسبت یکسالگی تأسیس فرقه گفت : « استقلال ایران باید اعلامیه ما را تشکیل میدهد » . پیشقدوی در ۱۲ شهریور ۱۳۲۵ گفت : « اکتوبر فتحمای طبریقم امتحانی که ما دادیم مارا تجربه طلب میدانند . » سپس پیشقدوی میگوید راهبری لندن این مطلب را تنظیم و روزنامه اطلاعات هم آنرا منعکس کرده است ولی خوشبختی ما در این است که مردم ایران میدانند که آنها از کجا اطلاعیه‌گرفته‌اند وسرانجام هر اول آذر ۱۳۲۵ فرقه‌ای فرودرآمد آذربایجان تصریح کرد : « ما هرگز خیال جدا شدن از ایران را نداریم و این سخن را باز هم تکرار میکنیم » .

چنین است تصریحات خالی از ابهام و مکرر در مکرر شعروان پیشقدوی .

اگر جنبش دموکراتیک آذربایجان یک جنبش ایرانیدوست وخالص استقلال ایران تصیوه مورد پشتیبانی نیرو های جبهه پرست کشور قرار نمیگرفت . علت پشتیبانی بیدریغ جزب ما و دیگر سازمانهای ملی و دمرقی (ولا انجمله حزب ایران) و اقلیت نیرومند در مجلس و عده کثیری از جرائد و سنتیکا های کارگری و افسران انقلابی و افکار عمومی از جنبش آذربایجان، مجموعه این اقدامات ، مجموعه مقابله عملی و واقع نیتهای برای وحدت سندیکائی بین المللی است .

* * *

ششمین کنگره فعالیت فدراسیون سندیکائی جهانی را بمثابه جزء جدائی ناپذیر مبارزه عموم خلقها در راه صلح و دمو دراسی و سوسیالیسم ارزیابی کرد .

تصمیمات کنگره که بامراعات کامل دموکراسی و با توجه بنظریات گوناگون تصویب اتخاذ شده در پیش که عضاب زحمتکشان و اعضای اتحادیه های جهان تنظیم گردیده و همچنین در اعتمامه هیئت رهبری بیمثال گوناگون جنبش کارگری بصوب رسیده منعکس است .

ششمین کنگره سندیکائی جهانی پس از استماع گزارش هیئت نمایندگی زحمتکشان ایران، اعلامیه‌ای بمضمون زیر باتفاق آراء تصویب کرد :

« ششمین کنگره سندیکائی جهانی که از هشتم تا ۱۲ اکتبر ۱۹۴۵ با شرکت نمایندگان ۲۰۵ میلیون زحمتکش متشکل ۴۰ کشور در ورشو تشکیل شد رژیم کنونی ایران، را که هر گونه آزادی دموکراتیک و سندیکائی را از بین برده ؛ قوت نظمی کودرا با بدست قرامهای امپریالیستی سپرده ؛ بوسیله محاکم نظامی عمل پرسنال و نمایندگان زحمتکشان را بی آنکه دلیلی آنها تضمین شده باشد زندانی کرده ؛ زندانیان واقعی شکنجه های غیر انسانی قرار داده است شدیداً محکوم میکند .

ششمین کنگره سندیکائی جهانی اعلام آزادی های دموکراتیک و سندیکائی ، آزادی همه میهن پرستان زندانی ، خاتمه دادن بترور زود و ستم واحترام بقانون اساسی ایران را جداً میطلبد .

کنگره همبستگی خود را با خلق و زحمتکشان ایران که بسر جبهه امپریالیسم ، استعمار دو و تعال آنها و بخاطر استقلال واقعی و رونمگی بهتر مبارزه میکنند اعلام میدارد .

کردیدنی نیست که تصمیمات کنگره بیانیه سندیکائی جهانی سندیکائی و اتحاد طبقه کارگر زیر پرچم انترناسیونالیسم پرولتاری کمونیست خواهند کرد و زحمتکشان را در مبارزه برای منافع طبقاتی خویش علیه استعمار و سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم تجهیز خواهد نمود .

« فرودین »

افکار عمومی جهان اعتراض میکند

دانشجویان اقوامی سیاه و غیره فرستاده شده است

شاه بنحو رسوائی قضات را تحت فشار قرار میدهد

روزنامه فرانسوی اوتانیه در شماره ۹ دسامبر ۱۹۶۵ خود فرحی یعقوبی ذیل در باره جریان محاکمه ۹ نفر روشنفکر ایرانی نوشته است.

«در حالیکه محاکمه ۹ نفر روشنفکر ایرانی در تهران جریان دارد، شاه رأی قضات داد گاه را خبود از پیش بیان میکند چنانکه اخیراً گفته است: «این جوانان هر قدر هم انکار کنند تا گناهکار شده».

استاد ژوفه نوردمان دبیر کل جمعیت بین المللی حقوق دانان طرفدار حقوق بشر صادر کرده است. این اعلامیه بنام دانشجویان فرانسه، اتحادیه دانشجویان عرب در اروپا، جمعیت دانشجویان عرب در فرانسه، جمعیت دانشجویان مسلمان افریقای شمالی، اتحادیه دانشجویان مراکش، اتحادیه دانشجویان الجزایر، دانشجویان گروه سوسیالیست ترتسکی، اتحادیه دانشجویان کمونیست فرانسه و متحد جوانان کمونیست فرانسوی گروه‌های دانشجویان امنیت، فدراسیون دانشجویان کمونیست فرانسه، فدراسیون دانشجویان کاتولیک فرانسه، جمعیت دانشجویان فرانسه، اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، اتحادیه دانشجویان عرب در اروپا، جمعیت دانشجویان عرب در فرانسه، جمعیت دانشجویان مسلمان افریقای شمالی، اتحادیه دانشجویان مراکش، اتحادیه دانشجویان الجزایر، دانشجویان گروه سوسیالیست ترتسکی، اتحادیه دانشجویان کمونیست فرانسه و متحد جوانان کمونیست فرانسوی گروه‌های دانشجویان امنیت، فدراسیون

دوره ششم — شماره ۹ — نوامبر - دسامبر ۱۹۶۵

تقویم مردم

۹ آذر سال ۱۳۲۴

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان تشکیل شد. طی جلسه تاریخی ۱۷ جلسات آن ساختمان زنان میگذرد. نمایندگان آن از طریق نمایندگانی خود در آن متشکل شده اند. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و سازمان زنان ایران که تا کنون دنبال ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ فعالیت پرداخته اند در میان زنان ایران داشت و در بین زنان مبارز ایران از اینجا فراوان و بزرگ در پیوند دارند. در ۱۷ اعضاء فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان هستند.

۱۶ آذر سال ۱۳۴۳

در دانشگاه تهران سخنرانی خانم ۲۸ مرداد شاه یکی از دانشجویان و عضو دانشگرد و مهاجر صلح خودرا بدانشگاه فرستاد. دانشجویان نپذیرفتند که

«محکوم واقعی جلادان اند نه قربانیان»

مطرح شدن و اعتراض شدید افکار عمومی ایران و جهان دادگاه غیر قانونی تجدید نظر اسکندر شاه در دادگاه بدوی ایران در باره متهمین مبارزه مرگ و مرسر با کمی تغییر تأیید کرد. در جواب حال احکام اعدام دیگر نیز تأیید کرد. در جواب حال احکام اعدام منصوری و کاظمی ابراهیم شده و حاضر یکی جوان ایران بود و نیز را بهمین میگیرد. صادر کرده است. ۱۵ پایان لحظه صدور او اجرای این حکم ظالمانه و غیر قانون خبری نیست. ولی این جوانان نوع خشونت و اعتراض جدیدی بود میان مردم ایران و افکار عمومی جهان و بر انگیخت.

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایران (ا) از اعتراض خود نسبت بدیکه ایران و در خواهی اسکندر و اعتراض میخواهد. و در روز ۱۷ آذر (۱۷ صفر) در تمام کشور و اروپا و آمریکا و یکی دیگر دانشجویان ایران در برابر کشور در برابر شهر جمع و دست

جبهه ملی

در باره جبهه ملی سوم ایران

اعتقاد دارند امکان پذیر نیست. و چه باید کرد. یک سازمانهای جبهه استبدادی و ضد استعماری ملی شعار آزادی و بهبود وضع آنها هستند و این کلمه جز از طریق بوریک شدن و حدکثر امکان پذیر نیست. بوریک در بیرونشت آنها امکان پذیر نیست. بوریک در توده ها، متشکل کردن آنها و کشاندن آنها بپارزه دسپیمی بهر شکل که باشد بخصوص در شرایط دشوار کشور ما کار آسانی نیست.

دانشگاه تهران مظلوم شاه حمله شود. روز ۱۶ آذر، روز نظام، دانشجو بان شد. به پیاوز مبارزه بود. با شاه، بهر صورتی که تقاضای مبلغی دانشجویان را با گلوله پاسخ، گفت. دده دانشجویان را در کلاسهای پنجم، به گلوله بستند. بروز نتیجه سه نفر از دانشجویان دانشکده فنی، بزرگ، بنام شریعت رضوی و قندچی، به شهادت رسیدند. این

دانشجویان که اعضاء حزب توده ایران و جبهه ملی بودند بادشان پیوسته گرامی است و هزار ها دانشجوئی که در سراسر ایران، اروپا و آمریکا علیه رژیم قاتل شاه مبارزه میکنند وارثین برحق سنتهای انقلابی دانشگاه هستند.

۱۶ آذر سال ۱۳۴۷

رویداد ها و تفسیر ها

دانشگاه تهران و معلمان، اعتصاب غذا به دانشجویان ایران فرار همبستگی کردند. دکتر ایلی ارزه‌ران متخصص آلمان غربی و دکتر والتشایدر وکیل مدافع آلمانی که رسوا و محکوم شدند نه قربانیان. نمونه زنده رسوائی و محکومیت گردانندگان محاکمه فرمایشی فرانکفرت عمومی. جهان گزارش بسیار جالب آقای لوئیس کالوتیری خبرنگار ایتالیائی است که عنوان شخصاً بر دادگاه غیر قانونی نظامی حضور داشته است. نیمه روزنامه لومونده نیز درسخنانیه اخیر خود باشد و تردید باشد خاص پشیوه دیگری بی‌یک اتهاماتی را که به متهمین وارد آمده فاش کرده است.

سرپیاهه اعمال جنایتکارانه رژیم جنایت آلوده شده. ولی اگر شاه بدهاکرکش بمال میکنید با آرزو میتوان مردم ایران، و انسانهای دیوانیز سلطه آزوزو وادانت سخت در اشتباهند. تاریخ ملت ما به انتهائی برای مرگ این حقیقت گواه است.

بقیه از صفحه ۷

شصت سال اخیر چنین دمکراتیک آذر با یجان میگذرد تاکنون باز نشسته بود به تقلید رادیوی تولی تبریز که میگفت «رادیو تبریز» (یعنی تبریز سخن میگوید) «رادیو تبریز» (یعنی تبریز میگوید). ولی مردم آذربایجان ادامه داد. تا آن پی بی بی‌ارسال خود مبارزاتی مانند ایوب کلاتری

فقط کاری که میشد و بسیاری از موارد [illegible] در تهران شرکت [illegible] امام دانشجو و معین [illegible] شهداء های حقوق بشر ملی سوم، بدون شک [illegible] از [illegible] کرد را برای این جبهه [illegible] بکند. از [illegible] جبهه جبهه آنها، جارو بی‌ای از توده مردم بعنوان نیروی اساسی جبهه ملی سوم ایران و [illegible] توجه شیعه به نیازهای جامعه ایران و اعلام شعارهائی که در تبریز می‌خواهد شرکت جبهه [illegible] به محور و اساس [illegible] جامعه، ما میکنیم ساده و [illegible] و [illegible] و [illegible]

اطلاعیه

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

دستگاه قرور و اختناق رژیم مثله دموکراتیك ایران همچنان به توطئه سکوت سنائی خود درباره بازداشت و محاکمه اعضاء حزب توده ایران ادامه میدهد .

پیش از یکسال و نیم است که رفقا پرویز حکمت‌جو ، علی خاوری و شش نفر دیگر از اعضاء حزب توده ایران بوسیله سازمان امنیت دستگیر و زندانی شده‌اند . مدتها بازداشت و زندانی شدن این رفقا چنان پنهان نگاهداشته شده بود که حتی خانواده های آنان نیز اطلاعی از سرنوشت عزیزان خود نداشتند و این بطور کلی شیوه سازمان امنیت درباره اعضاء حزب توده ایران است . پس از آنکه دوران شکنجه و آزارهای غیر انسانی که در اصطلاح سازمان امنیت « مرحله تحقیقات » خوانده میشود سپری شد و خانواده‌های زندانیان توانستند از زنده ماندن آنان اطلاعی بدست آورند باز تا مدتی محل بازداشت آنها پنهان نگاهداشته شد تا اینکه بالاخره معلوم گردید پرویز حکمت‌جو را بزندان دژبان منتقل نموده‌اند و قرار است وی و علی خاوری و شش نفر دیگر از اعضاء حزب توده ایران که پرونده آنها را بهم مربوط ساخته‌اند در دادگاه دربسته نظامی محاکمه شوند .

با وجود این هنوز هیچگونه اطلاع رسمی درباره اتهام و محاکمه این رفقا انتشار نیافته است .

رژیم مستبد دموکراتیك ایران بعنوین میدانند که این افراد هیچ‌گناهی جزوفاداری به‌آرمانهای حزب توده ایران و فعالیت در راه استقلال کشور و آزادی مردم ندارند . دستگاه اختناق شاه نیك میداند که داشتن عقیده و صنویت در یك سازمان سیاسی طبق قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر نه تنها جرم نیست بلکه در عداد حقوق دموکراتیك مسلم افراد تلقی گردیده است . بهمین جهت است که از انتشار علل بازداشت ، دلائل اتهام آنان و نشر کیفر خواست خودداری میشود و دادرسی آنان فردادگاه دربسته نظامی جریان میباید . بهمین جهت است که دادستان ارتش کیفر خواست دستوری خود را که طبق آن برای رفقا پرویز حکمت‌جو و علی خاوری کفاضای مجازات اعدام نموده است از افکار عمومی مردم ایران و جهان مخفی میکند و با این عمل میکوشد تا بلکه داغ رسوائی را که محاکمات غیر قانونی اخیر به پیشانی این رژیم زده است از انظار پنهان سازد .

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خود میداند که افکار عمومی مردم ایران و جهان را از این اعمال غیر انسانی و خود سرانه رژیم جابر و آزادی کش ایران و از توطئه خطرناکی که برمبنای جان جمعی از فرزندان میهن پرست ایران در شرف تکوین است آگاه سازد و از تمام میهن پرستان و آزادیخواهان ایران ، از کلیه افراد و محافل دموکراتیك جهان بخواهد تا علیه این بیدادگری برخیزند و صدای اعتراض خود را هر چه رساتر علیه محاکمه غیر قانونی اعضاء حزب توده ایران در دادگاه غیر علنی و فرمایشی نظامی بلند کنند .

✿ ✿ ✿

دامنه اعمال شدت و فشار رژیم مثله ملی چنان وسعت یافته که تمام احزاب و سازمانهای اپوزیسیون ، کلیه طبقات و قشرهای میهن پرست و آزادیخواه کشور اعم از توده‌ای ، معتدل ، سوسیالیست ، ناسیونالیست ، روحانی ، استاد ، دانشجو ، کارگر ، دهقان ، پیشه ور ، کاسب و تاجر و غیره را دربر میگیرد .

هم اکنون سه گروه مختلف منتسب به گرایشهای گوناگون سیاسی در دادگاههای نظامی مورد تعقیب و محاکمه اند . این سه گروه عبارتند از عده ای از رهبران جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران و ۵۵ نفر از جوانان منتسب به حزب اتحاد ملی اسلامی و ۸ نفر از اعضاء حزب توده ایران .

بگفته او برای مقابله با تعرض جدید ارتجاع اتحاد و همکاری نزدیك کلیه نیروهای ملی و آزادیخواه ایرانست . مبارزات پراکنده و متفرق هر قدر هم به نیروی ایمان و عقیده متکی باشد نمیتواند بکمکیفی برسد و ناچار جدا جدا بدست دشمن مشترك تباه خواهد شد . جز اتحاد راهی نیست و هرقدر در برابر این واقعیت مسلم مقاومت بخرج داده شود بهمان اندازه حصول نتیجه مشترك بعقب رانده میشود .

محاکماتی که هم اکنون علیه عده ای از اعضاء حزب ما وسایر سازمانهای اپوزیسیون ملی ودمکراتیك ایران جریان دارد بما فرصت میدهد که بیکبار دیگر همهٔ سازمانهای ملی و آزادیخواه ، همه کسانی را که باستقرار آزادی و دموکراسی در کشور ما علاقمند اند باتحاد عمل واقعی برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو محاکمات فرمایشی نظامی دعوت میکنیم . با مبارزه متحد و مشترك همه نیرو ها میتوان بار دیگر رژیم ضد دموکراتیك را وادار به عقب نشینی نمود .

عمل متحد و متشکل کمیته های دفاعی که در نقاط مختلف تشکیل یافته است میتواند بهترین وسیلهٔ این وحدت عمل قرار گیرد .

حزب توده ایران بسهم خود برای همه گونه همکاری در این مورد آماده است .

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹ اسفند ماه ۱۳۴۴